

نشریه ادبیات تطبیقی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ۷، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴

بررسی تطبیقی پوپولیسم در چند داستان کوتاه منتخب از
علی اشرف درویشیان و نجیب محفوظ (علمی - پژوهشی)*

دکتر حمیدرضا مشایخی
استادیار دانشگاه مازندران

مریم پارسا
کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

چکیده

پوپولیسم جریان سیاسی‌ای است که به باورهای مردم در تصمیمات مهم سیاسی، اهمیت تعیین کننده‌ای می‌دهد. پاپولیسم اولین بار به عنوان یک جنبش اجتماعی در بین روشنفکران روسیه موسوم به «دوستان مردم» پدید آمد. کم‌کم گرایش عده‌ای از نویسندگان و شاعران به آرمان‌های پوپولیست‌ها، راه را برای ورود به ادبیات هموار کرد. صنعتی شدن جوامع، وقوع جنگ جهانی اول و دوم، پیامدهای پس از جنگ، وجود نظام‌های سیاسی خودکامه، تضاد طبقاتی و... نویسندگان را در جهان به نوشتن داستان‌های پوپولیستی برای انتقاد از وضع موجود و رسیدن به آرمان‌هایشان سوق داد؛ به گونه‌ای که این دیدگاه ادبی در آثار درویشیان و نجیب محفوظ نیز به دلیل خفقان سیاسی و اجتماعی، نبود دموکراسی و عدالت، حکومت‌های خودکامه و... جلوه‌ای ویژه یافت. با توجه به این

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۶/۲

* تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۱/۲۹
نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول :

hmr.hamid@yahoo.com

که ادبیات تطبیقی یکی از محورهای مهم شناخت ملت‌هاست و تطبیق آثار ادبی جهان می‌تواند درکی نو را در شناخت مقاربات فرهنگی و اجتماعی، و اعتقادی و... ملت‌ها به دست دهد؛ این پژوهش در صدد آن است تا با تکیه بر مکتب پوپولیسم و بررسی تطبیقی چند داستان کوتاه از درویشیان و نجیب محفوظ، ما را به درکی تازه از پوپولیسم و اشتراکات فکری و فرهنگی در این آثار برساند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد پوپولیسم به شکلی مثبت و سازنده و نه مخرب، در جهت رفع مشکلات مردم و رسیدن به عدالت اجتماعی بسیار هنرمندانه در آثار آنان نمود یافته است.

واژه‌های کلیدی: پوپولیسم، درویشیان، مردم، نجیب محفوظ.

۱- مقدمه

پوپولیسم یا پاپولیسم برای نخستین بار در دهه ۱۸۷۰ م به عنوان یک جنبش اجتماعی در بین روشنفکران روسیه موسوم به ناردینک‌ها (Nardrodniki) یا دوستان مردم پدید آمد و برای به دست آوردن دو هدف سیاسی بارز، یعنی آزادی برای توده مردم و گسترش مالکیت خصوصی بر روی زمین مبارزه می‌کرد. هم‌زمان با این جنبش، جنبش پاپولیستی دیگری در غرب آمریکا در یک روند نهادی و سازمان یافته پدیدار شد (رحیق-اغصان، ۱۳۸۴: ۳۰۵). مردم در رأس اندیشه و آرمان‌های پوپولیست قرار داشتند. اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که "مردم باورانه" شناخته می‌شدند، در هر جا شکل‌خاصی داشت. این صفت در آمریکا نخست برای "حزب مردم باور" به کار برده شد که سال ۱۸۹۱ م برای دفاع از منافع کشاورزان تشکیل شد (آشوری، ۱۳۷۳: ۳۰۰). کمکم اندیشه‌های پوپولیستی، دیگر نقاط دنیا را نیز در بر گرفت. «مردم باوری» را در جنبش‌های روستایی اروپای شرقی پیش از ۱۹۳۹ م و نیز در فاشیسم Fascism و نازیسم^۱ و بسیاری از جنبش‌های آزادی‌بخش جهان سوم نیز می‌توان یافت (همان). گرچه تجلی آغازین پوپولیسم در روسیه و آمریکا بود، اما وجود حکومت‌های خودکامه، تضاد طبقاتی، نبودن آزادی بیان، ظلم و ستم بر مردم، خفقان و عقب‌ماندگی علمی و فرهنگی و... همه و همه عواملی شدند تا پوپولیسم به دیگر نقاط جهان و کشورهای جهان سوم نیز راه یابد؛ به گونه‌ای که

نویسندگان و شاعران بسیاری با تکیه بر این نظریه به بیان دردهای مردم و گرایش‌های پوپولیستی در آثارشان پرداختند. «ادبیات فرودستان یا پوپولیسم را گروهی از نویسندگان فرانسوی پایه‌گذاری کردند. این گروه از نویسنده‌ها ادبیاتی بوجود آوردند که زندگی مردم طبقه متوسط و طبقه پایین اجتماع را توصیف می‌کند. آثار این نویسنده‌ها، به شخصیت‌های طبقه فرودست و پایین جامعه پرداخت که زندگی به شیوه‌ای واقع‌گرایانه و گاه ناتورالیستی تصویر می‌شد» (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۳۳۹). در ایران در دوره معاصر آثار نویسندگان بسیاری همچون «علی‌اشرف درویشیان، صمد بهرنگی، منصور یاقوتی و... شباهت بسیاری به ادبیات فرودستان (پوپولیسم) دارد» (همان، ۳۴۰).

۱-۱- بیان مسئله

درویشیان یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان معاصر است که سال‌های زیادی از عمر خود را در زندان به دلیل مبارزه با استبداد رژیم شاه گذرانده است. آثار او به گونه‌ای بسیار هنرمندانه نمایشگر نابسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی و تضاد طبقاتی است؛ «در این میان تعهد ادبی و اجتماعی در آثار او جنبه‌ای غالب پیدا کرده است» (همان: ۳۳۹). در مصر نیز در دوران جنگ‌های جهانی نویسندگانی پدید آمدند که «می‌توان گفت آنان به طبقات فرودست بیشتر نزدیک بودند تا به بورژوازی حاکم، مالک و سلطه-گر» (النساج، ۱۳۷۲: ۴۹). در این میان نجیب محفوظ یکی از نویسندگان بزرگ مصر است که در آثارش خصوصاً داستان‌های کوتاهش به مسائل عمیق اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. این پژوهش با بررسی تطبیقی پوپولیسم در آثار درویشیان و نجیب محفوظ به دنبال آن است تا افق دید جدیدی را در شناخت آثار ادبی هر دو نویسنده به روی مخاطب بگشاید.

۱-۲- فرضیه پژوهش

پوپولیسم یا همان ادبیات فرودستان در داستان‌های کوتاه علی‌اشرف درویشیان و نجیب محفوظ نویسنده عرب با به تصویر کشیدن زندگی مردم فرودست، خفقان سیاسی جامعه، مبارزه با تضاد طبقاتی و... نمود یافته است.

۱-۳- پیشینه پژوهش

پژوهشگران در میان آثار درویشیان، بیشتر به بررسی رمان چهار جلدی سال‌های ابری پرداخته‌اند مقاله "بازتاب اجتماع ورنالیسم سوسیالیستی" نوشته طاهره کوچکیان و دکتر خاور قربانی در نشریه زبان و ادب فارسی در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است و یا مقاله‌ای با عنوان "بررسی سبکی رمان سال‌های ابری" نوشته دکتر نعمت‌الله ایران‌زاده و طاهره سپه‌وند در پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب به چاپ رسیده است. از میان آثار متعدد نجیب محفوظ نیز بیشتر بر روی رمان الثلاثیه و دیگر رمان‌های این نویسنده پرداخته و کمتر به داستان‌های کوتاه این نویسنده توجه شده است؛ به طور نمونه مقاله "بحران فکری و روحی قهرمان در رمان الثلاثیه" نوشته دکتر فرامرز میرزایی و مظفر اکبری مفاخر که در پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب به چاپ رسیده است و نیز مقاله "تحلیل و بررسی عنصر پیرنگ در رمان الثلاثیه" نجیب محفوظ، نوشته مظفر اکبری مفاخر که در کتاب ماه و ادبیات ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است. در مجموع در هیچ یک از پژوهش‌ها به موضوع پوپولیسم پرداخته نشده است.

۲- بحث

۲-۱- پوپولیسم

پاپولیسم، مردم‌انگیزی، یا همان پوپولیسم «به معنای یک جریانی سیاسی است که در آن به باورها و اعتقادات توده مردم در تدوین، جمع‌بندی و تصمیمات مهم سیاسی، اهمیت تعیین کننده‌ای می‌دهد» (حقیق اعصان، ۳۰۵) و مردم در رأس خواست‌های آن قرار دارد به طوری که مردم‌باوری، بزرگداشت مفهوم "مردم" یا "خلق" تا حد مفهومی مقدس تلقی می‌شود و مردم‌باوری و خواست "مردم" را عین حق و اخلاق می‌داند و این خواست را برتر از همه سنجه‌ها و ساز و کارهای اجتماعی می‌شناسد (آشوری، ۱۳۷۳: ۲۹۹). «پوپولیسم زمانی به وجود می‌آید که مردم از نظم تحمیلی طبقه متمایز و دیرپای حاکم که انحصار قدرت، مالکیت و آموزش و فرهنگ را در اختیار دارد به ستوه آمده باشند» (شیلز، ۱۹۵۶: ۱۰۰ و ۱۰۱) ژیزک Zizek در تعریف پوپولیسم بر «محوریت پیکار اقتصادی ضد سرمایه-

داری تأکید می‌کند» (تاگارت، ۱۳۸۱: ۲۰۰) اما با وجود تعریف‌های متعدد چند اصل بنیادی را می‌توان برای این مکتب در نظر گرفت.

۲-۱-۱- ویژگی‌ها و مبانی پوپولیسم

— «توسل به کانون آرمانی» (همان: ۱۴۸) و «هم‌ذات‌پنداری پوپولیست‌ها با کانون آرمانی درون جامعه‌ای که مطلوب می‌پندارند. پوپولیسم روایت‌ها، اسطوره‌ها و نمادهایی می‌آفریند که با کانون آرمانی‌اش هم‌نوا باشد و از همین روی اساساً آن‌ها را از محیط اطراف کسب می‌کند» (همان: ۱۲ تا ۹).

— «پوپولیست‌ها مردم را در کانون قرار می‌دهند» (همان: ۱۱). «نماینده مردم است» (وست لیند، ۱۹۹۶: ۹۹). «با ستایش از مردم به عنوان کلی ارگانیک، جمع را مبنای خویش و اکثریت را در بند می‌داند» (تاگارت، ۱۳۸۱: ۱۷۲).

— «پوپولیسم با سیاست ناسازگار است و سیاست از نظر پوپولیسم امر کثیف و فسادانگیزی است» (همان: ۱۰). «هدف پوپولیسم شفافیت صریح است و امور سیاسی باید تجسم خرد مردمان ساده و بنابراین باید ساده و صریح باشد» (همان: ۱۷۳).

— «مخالف نابرابری اجتماعی و اقتصادی است که مسبب آن نهادهایی هستند که با آن‌ها سر ستیز دارد» (اغصان، ۱۳۸۴: ۸۴).

— تأثیرپذیری و «همرنگی پوپولیسم با محیط خود» (تاگارت، ۱۳۸۱: ۹).

البته پوپولیسم دارای ویژگی‌های منفی نیز هست و این امر باعث شده است که دیدگاه‌های منفی بسیاری دربارهٔ این مکتب به وجود بیاید که به چند مورد از آنها اشاره می‌شود: «پوپولیسم گاه ابزار ترقی خواهان، مرتجعان، دمکرات‌ها، خودکامگان، چپ و راست بوده است، زیرا تعهدی در برابر ارزش‌های بنیادی ندارد. پوپولیسم گذراست و گه-گاه با قدرتی چشمگیر پدیدار می‌شود اما چیزی نمی‌گذرد که ناپدید می‌شود. گاه پوپولیسم با تظاهر به انقلابی‌گری حمایت شگرف مردم را در مواقع بحرانی کسب می‌کند اما در عمل همواره اصلاح طلب و ناتوان از ارائه اصطلاحات "بنیادی" است» (تاگارت، ۱۳۸۱: ۱۳۸۱).

۱۱،۹،۸،۷). علاوه بر آن می توان به «ضدیت پوپولیسم با نخبگان و روشنفکران» (همان: ۱۸) کرد.

۲-۲-۲- خلاصه‌ای از داستان‌های منتخب از علی اشرف درویشیان

۲-۲-۱- همراه آهنگ‌های بابام

ماجرا دربارهٔ پسری است که به همراه پدرش در یک کوره آجر کار می کند و صاحب کارشان مرد بی انصافی است. یک روز در یک حادثه در کوره پدرش بینایش را از دست می دهد. یکی از کارگران جان می بازد و چون صاحب کار حقشان را پایمال می کند برای گذران زندگی و کسب درآمد به تهران می روند. پسر مجبور می شود برای ادامه تحصیل به مدرسه شبانه برود. پدر تار می نوازد و عروسک گردانی می کند و از این راه کسب درآمد می کنند تا اینکه در پایان داستان عروسک آنها را می دزدند و پسر آرزو می کند در آینده نویسنده شود و زندگی را بنویسد.

۲-۲-۲- ظلم آباد

داستان با این جمله‌ها آغاز می شود «آنجا روی تنها درخت توی دهکده نشسته بود... رادیوی کهنه کوچک پدرش به بالاترین شاخه آویزان شده بود...» مردی که تمام اعضای خانواده اش را بر اثر سیل از دست داده است و تنها توانسته یک پسرش را نجات دهد و از اثاث خانه تنها رادیوی قدیمی برایش باقی می ماند. رادیو روشن است و پسر بر روی درخت مصاحبه گو گوش را پخش می کند. در نهایت پسر در رؤیای مادرش و غذای گرم از بالای درخت می افتد و می میرد و مرد بعد از جست و جوی فراوان در روستای سیل زده به دنبال اجساد خانواده اش، پس از بازگشت می بیند که تنها پسرش را هم از دست داده است.

۲-۲-۳- انار

داستان مرد و زنی است که می خواهند فرزند بیمارشان را به شهر ببرند تا درمانش کنند. کنار جاده ایستاده اند. کسی برای بردن آنها ترمز نمی کند. در این لحظه پسر اربابیا زنش از راه می رسد. آنها انار مکیده شده ای را از ماشین به بیرون پرتاب می کنند اما زن و

مرد کنار جاده تصور می‌کنند انار سالم است آن را به خانه می‌برند تا آبش را به فرزند بیمارشان بدهند تا شاید حالش بهتر بشود.

۲-۲-۴- نمونه من

داستان درباره دختر بچه‌ای است که می‌خواهد یک انشا درباره مادرش به مناسبت روز مادر بنویسد. در این انشا دردهای عمیق یک زندگی بیان می‌شود.

۲-۲-۵- سحر در سبد

ماجرای زنی که شوهرش او را از خانه بیرون کرده است و زن به همراه کودکش به نزد پدرش می‌رود. در این داستان فقر و نابه‌سامانی اوضاع مالی، عامل اصلی اختلاف زن و شوهر بیان می‌شود. در نهایت زن دوباره تصمیم می‌گیرد خودش به خانه برگردد.

۲-۳-۱- داستان‌های منتخب از نجیب محفوظ

۲-۳-۱- خانه خالی

داستان درباره پیرمردی به نام "محمد رشیدی" ۸۳ ساله است که همسر جوانش "زاهیه" را که بیست و اندی سال از او کوچک‌تر بوده، از دست داده است و مجبور می‌شود برای فرار از تنهایی ادامه زندگی را کنار "صابر" پسرش و "منیره" عروسش سپری کند. اما در طی بیان داستان، پیرمرد ضمن یادآوری خاطرات در ذهن، اشاراتی به مسائل سیاسی جامعه نیز دارد.

۲-۳-۲- رؤیای نیمه شب

داستان درباره زنی است به نام ننه عباس که تنها چهل سال دارد که همسر اولش فوت می‌شود. او یک پسر جوان بیست ساله نیز دارد که مجدداً با فردی به نام "حسین" ازدواج می‌کند. پس از مدتی "حسین" به طرز مشکوکی به قتل می‌رسد، سپس زن مجدداً با فردی به نام "عبده" ازدواج می‌کند که او نیز به طرز مشکوکی به قتل می‌رسد. این داستان بی‌عدالتی و عدم وجود قانون و وضع اسفناک جامعه را به تصویر می‌کشد.

۲-۳-۳- رو در رو

مردی به نام حامد پس از پانزدهسال عشق قدیمی، زن چهل ساله‌ای را که پانزده سال پیش او را عاشقانه دوست می‌داشت، پیدا می‌کند. زن از همسر اول خود طلاق می‌گیرد. حامد به زن تقاضای ازدواج می‌دهد، اما محور همه گفتگوها دو شخصیت اصلی در باره جنگ جهانی است. در انتهای داستان قتل انسانیرخ می‌دهد؛ که اشاره به وضع نابه‌سامان جامعه دارد.

۲-۳-۴-روز سرشار

زندگی یک روز وزیری را به تصویر می‌کشد. از صبح با گفتگو و مشاجره با همسرش درباره وضع فرزند بیمارش قصه شروع می‌شود و در طی داستان اشاره به یکی از شخصیت‌های سیاسی که قرار است با افشای اسنادی در روزنامه نالایق بودن او برای همگان آشکار شود، ادامه می‌یابد در پایان، با رفتن وزیر نزد زنی برای عشق‌ورزی و توصیف کارهای وزیرو وضع کودکی در خیابان، تفاوت فاحش زندگی بی‌درد وزرا و مردم عادی را به تصویر می‌کشد.

۲-۴-نمودهای پوپولیسم در آثار درویشیان و نجیب محفوظ

۲-۴-۱-مردم

شاید بتوان گفت بزرگ‌ترین انگیزه حرکت‌های پوپولیستی، مردم و مشکلات آنان و اجرای دموکراسی و احترام به حقوق بشر است. «پیش فرض اصلی پوپولیست این است که فضیلت از آن مردم ساده و سنت‌های جمعی‌شان است که اکثریت عظیم جمعیت را تشکیل می‌دهند» (تاگارت، ۱۳۸۱: ۱۴۶). در داستان‌های محفوظ و درویشیان شخصیت‌های داستان مردمی هستند که مشکلاتشان برای مخاطب قابل درک است. درویشیان می‌گوید: «نویسنده و هنرمند مانند فردی هستند که از میان ویرانه‌ای بمباران شده، با جسد فرزند دردانه‌ای در دست، بیرون آمده باشد؛ پس چنین نویسنده‌ای در کشاکش زندگی، مبارزه و مرگ قلم می‌زند. او می‌داند جهان بدون مردم، جهانی بیهوده و یاوه است» (درویشیان، ۱۳۸۱: ۱۹). در داستان «همراه آهنگ‌های بابام» او اشاره‌ای گذرا به وضع زندگی شخصیت‌های مختلف دارد تا آنان را به عنوان نمونه‌هایی از یک جامعه نشان دهد. «بابام و عیسی و عمو کاهی با هم در ریخته‌گری کار می‌کنند... عمو کاهی زنش مرده و

تنها زندگی می‌کند. پسرش هم که از قصر شیرین اسباب بازی قاچاق می‌آورده، تیر-خورده، و مرده (همان، ۸ و ۹). "بابا"، "عیسی" و "عمو کاهی" هر سه تجلی مردم جامعه-اند که برای گذران زندگی در تلاشند. در داستان "ظلم آباد" نیز درویشیان وضع مردم بی-درد و دردمند را با برنامه‌های رادیویی به تصویر می‌کشد. «دوباره به رادیو پناه برد: "زردی من از تو سرخی تو از من. بچه‌ها کف بزیند. بچه‌ها برقصید. شادی کنید. بله شنونده عزیز با وجود این که امسال برای جلوگیری از پیشروی کویر و حفظ بوته‌ها، بوته چهارشنبه سوری وجود نداشت با این وجود بوته‌های قاچاق بزم همه مردم را گرم کرد." جیغ و فریاد بچه‌ها بی‌خودش کرد (همان: ۳۲ و ۳۳). در این داستان مردم در طبقات مختلف جامعه به تصویر کشیده می‌شوند. یک دسته گوینده رادیو که هیچ دغدغه‌ای ندارند و دسته دیگر مردم فقیر که راوی نماینده آنهاست. در داستان "انار" تفاوت آشکار بین مردم فقیر که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند و قشر مرفه که تعداد اندکی نیز هستند بیان می‌شود و این موضوع در بیان وضع پسر ارباب و زن و مرد ساده لوح بیان می‌شود. نویسنده با بیان این مقایسه می-خواهد توجه مخاطب را به پایمال شدن حقوق مردم جلب کند؛ خصوصاً آنگاه که تصور می‌کنند انار سالم است و آنرا برمی‌دارند و در پایان داستان مرد می‌فهمد که اشتباه کرده است و آن انار تنها پوست است. «چطور به او بگویم که انار فقط پوسته. که بادش کردن. که آبش را مکیدن و برای مسخره کردن ما آنجا گذاشتن و رفتن» (همان: ۴۳). در داستان "مادر نمونه من" نیز با بیان جملاتی ساده از زبان دختر بچه وضع زندگی مردم را به خوبی در عبارتی کوتاه بیان می‌کند. «مادر من هر روز صبح بر سر خرجی روزانه با پدرم دعوا دارد. پدرم می‌گوید فردا می‌دهم. مادرم به او می‌گوید نزدیک عید است و بچه‌ها لباس ندارند... یک بار وقتی بود که شب عید بود. من خیلی خوش بودم شب پلو داشتیم و بوی پلو اتاق را پر کرده بود» (همان: ۴۹). در این داستان تصویر مادری را می‌بینیم که هر روز بر سر خرجی با همسرش دعوا می‌کند و پدری که هر روز به امید فردایی بهتر است و راوی که پلو خوردن یکی از لحظات خوش اوست این پدر و مادر و فرزند هر سه سمبل و

نماینده سه تیپ شخصیتی جامعه‌اند و یا به گونه‌ای خانواده‌شان نماد همان اکثریت مردم است که در یک جامعه کوچک‌تر به تصویر کشیده شده‌اند.

در داستان‌های محفوظ نیز مردم و وضع زندگیشان محور اصلی هستند. در داستان "رؤیای نیمه شب" این موضوع را این گونه بیان می‌کند. «أمُ عَبَّاسٍ إِمرأةٌ جَمِيلةٌ... وَ هِیَ الِی ذَلِکَ تَمَلِکُ عِمارةً قَدِیمةً مِنْ أربعةِ أَدوارٍ غَیرِ ثَلاثَةِ دَکائِنِ أَسفَلِها وَ لذلِکَ إِعتدَها الِاهالی وَ کُلِّهَم فِقرَاءٌ حُلْمًا مُوشی بِالذَهبِ. ننه عَبَّاسِ زَن زَیبا یی بَود... او مالِکِ ساختمانی چَهار طَبقَه با سه مَغازَه در زَیرِ آن بَود... از این رو مردم محل که اغلب تنگدست بودند، همواره رؤیای طلائی او را به خواب می‌دیدند» (محفوظ، ۱۹۹۱: ۲۵۵). در عبارت "مردم محل که اغلب تنگدست بودند." تلاشپوپولستی محفوظ برای نشان دادن اهداف و منافع مشترک برای اکثریت مردم که تنگدست نیز هستند برجسته نشان داده می‌شود؛ چراکه در ادامه داستان تصویر بی‌عدالتی که ترسیم می‌کنندمودی از همان اهداف پایمال شده است. در ادامه، او وضع زندگی مردم و نبودن عدالت را نیز ترسیم می‌کند پس از وقوع دو قتل و عدم برخورد با قاتل نبود قانون و عدالت واقعی را در جامعه، در پایان داستان به این شکل بیان می‌کند. «وَهُوَ بَلاشِکُ قاتِلُ حَسَنِینِ ... فَقالَ یُیومی: وَ عَندَ التَّحقیقِ نَسِیتُ کُلَّ شَیْءٍ وَ تَلِکَ إِرادَةُ اللَّهِ. بی‌شَکِ هِمانِ شَخصِ هِمْ قاتِلِ حَسَنِینِ بَودَه اِست... ییومی گَفت هِنگامِ تَحقیقِ هِمه‌چیزِ را فراموشِ کَردم وَ اِینِ مَشیتِ خِداوندی اِست!» (همان: ۲۱۴ و ۲۱۵). «پوپولیسم زمانی پدید می‌آید که او به آن‌ها تبدیل می‌شود. به همین نحو هنگامی که مردم به عنوان موجودیتی عام، رویاروی شرایط و ناکامی‌های مشابه قرار می‌گیرند "ما" جایگزین "من" می‌شود» (تاگارت، ۱۳۸۱: ۱۷۲). «مردم نه یک ماهیت ایدئولوژیک، که رابطه‌ای واقعی میان عاملان اجتماعی است» (لاکلانو، ۱۳۸۸: ۱۵). در داستان "رودررو" نیز محفوظ به بیان وضع مردم و جامعه می‌پردازد، اما این بار در بعدی وسیع‌تر و آن هنگامی است که به نگرانی شخصیت‌های داستان از وقوع جنگ و وقایع پس از آن اشاره می‌کند.

«إِذا قامَتِ الحَربُ... / آه یا عزیزتی هل تُدِرِکِینَ مَعنی ضَربِ بِلَدِ کَبَلَدِنا بِقَنابِلِ

الطِیاراتِ؟ / لِمَذا یَضِربونَنا؟ کَسَنا أَعِداءَ لِأَحدِ

سَوْفَ يَتَدَاعَى كُلُّ قَائِمٍ لِلْخَرَابِ. «اگر جنگ آغاز شود... آه عزیزم، هیچ میدانی معنای کوبیدن کشوری همچون کشور ما با بمب‌های هوایی چیست؟/ چرا ما را بکوبند؟ ما که دشمن کسی نیستیم./ همه چیز خراب خواهد شد» (محفوظ، ۱۹۹۱: ۲۹۱).

مردم جامعه درویشیان طبیعی‌تر و به زندگی واقعی نزدیک‌ترند و بعد پوپولیستی داستان‌ها یعنی مردم وسیع‌تر و ژرف‌تر است، زیرا در توصیفات محفوظ خانواده‌های تصویر شده وضع مالی نسبتاً بهتری دارند. در بعضی داستان‌ها، شخصیت‌های اصلی حتی برای رسیدگی به امور منزل مستخدم دارند؛ مثلاً در داستان "قهوه خانه خالی" «هنالک اُعدت حُجْرَةً لِنَوْمِهِ وَ تَأَهَّبَتْ مُبَارَكَةَ الْعَجُوزِ لِحُدْمَتِهِ. در آنجا اتاق خوابی برایش تدارک دیدند و مبارکه پیرزن برای خدمت به او آماده گردید» (همان: ۱۹۱) و یا در داستان "رو در رو" توصیفاتش حاکی از این است که شخصیت داستان خیلی فقیر نیست. «جَعَلَ يَمْسُحُ بِالْمِنْدِيلِ الْمُبَلَّلِ وَجْهَهَا وَ عُنُقَهَا حَتَّى عَجِنَ الْبُودْرَةَ بِالْأَحْمَرِ بِالْكَحْلِ. شروع کرد به مالیدن دستمال مرطوب بر صورت و گردنش؛ به طوری که پودر را با ماتیک و سرمه در هم آمیخت» (همان: ۲۹۲). اما عکس این توصیف را در داستان درویشیان می‌بینیم فقر و نهایت ساده زیستن شخصیت‌های داستانی، مثلاً در "مادر نمونه من" «من نمی‌دانم که مادر من که اینقدر خوب است چرا هیچ‌وقت عکسش توی روزنامه یا مجله‌ای نیست و هیچ‌وقت مادر نمونه نشده است» (درویشیان، ۱۳۸۶: ۵۳).

۲-۴-۲- سیاست

یکی از اهداف بزرگ پوپولیست‌ها مسائل سیاسی و مبارزه با سیاست‌های غلط است. «پوپولیسم نه نوع ویژه یک امر سیاسی بلکه ناب‌ترین شکل یک امر سیاسی است» (لاکلاو، ۱۳۸۸: ۶۴). «پوپولیست‌ها از نظام‌های سیاسی دفاع می‌کنند که طرفدار کاربرد ابزارهای دموکراسی مستقیم هستند» (تاگارت، ۱۳۸۱: ۱۵۹). درویشیان خود معتقد است «نویسنده باید به عنوان وجدان آگاه و بیدار جامعه‌اش آزادانه بتواند در برابر بی-قانونی‌ها، رواج انواع فساد، رشوه‌خواری، پارتی‌بازی، قیم‌مآبی، انحصارگرایی و ظلم و ستم

و سانسور، ایستادگی کند و تمام کوشش خود را برای قانون‌مند کردن کشور به کار برد» (درویشیان، ۱۳۸۱: ۲۷). در داستان "انار" درویشیان مستقیماً به سیاست‌های غلط که نتیجه‌اش فقر توده عظیمی از جامعه و ثروتمند شدن به ناحق عده‌ای اندک است انتقاد می‌شود. «پسره اربابه. تازه از آمریکا آمده. ارباب هر وقت می‌خواست از ما مرغانه و تپالانه و گوریسالانه بگیره، همه‌اش می‌گفت: برای پسره که در آمریکا درس می‌خواند. این هم پسرش که آمده تفریح» (همان: ۴۲). در این داستان ارباب که یک مقام سیاسی محسوب می‌شود حتی از اندک دارایی مردم مالیات می‌گیرد و آن را نه برای مردم و مشکلاتشان بلکه در زندگی شخصی خود و خانواده‌اش به کار می‌برد. سوء استفاده از قدرت از سوی گروه‌های مفت‌خور فرصت‌طلب است که موجب فساد اجتماعی می‌شود» (لاکلانو، ۱۳۸۸: ۱۱۸). در داستان "مادر نمونه من" به خفقان سیاسی جامعه اشاره مستقیم دارد: «بابام می‌گوید که کتاب نخوانید و پیش مردم هر چه از دهانتان بیرون می‌آید نگویید؛ چون مثل داداش به سرتان می‌آید. من نمی‌دانم چه بکنم، ولی کتاب را خیلی دوست می‌دارم اما وقتی به ملاقات داداش محسن می‌رویم از پاسبان‌ها و افسرها می‌ترسم. دهانم تلخ می‌شود و باخودم می‌گویم به خدا دیگر کتاب نمی‌خوانم» (درویشیان، ۱۳۸۶: ۵۲). در این داستان نویسنده عدم آزادی بیان و عدم آگاهی مردم را در بیان افکار و عملکرد شخصیت‌ها به خوبی نشان می‌دهد به گونه‌ای که "داداش" راوی یک مبارز سیاسی است و پدرش فردی ساده و بی‌سواد که نگران این است که فرزندانش به دلیل خفقان سیاسی اقدام به کاری نکنند که همچون پسر بزرگش گرفتار ظلم نظام سیاسی حاکم شوند.

در مصر «پس از انقلاب ناسیونالیستی ۱۹۱۹ م داستان کوتاه به مرحله جدیدی پا گذاشت. انقلاب در مصر آن روح تعلق را که شهروند در قبال میهنش احساس می‌کند تقویت کرد. مصری را واداشت که با شرکت در انقلاب و مقابله آشکار با کاخ شاهی و اشغالگر، با واقعیت، برخوردی مثبت داشته باشد و او را به جهتی سوق داد که نگاهش به امور واقع‌گرا باشد» (النساج، ۱۳۷۲: ۳۸ و ۳۹). در داستان "قهوه‌خانه خالی" محفوظ از زبان شخصیت اصلی به مسائل سیاسی جامعه پرداخته است. «این رعیل‌المربین الاول؟ این

السَّاسَةُ الْحَقِيقِيُونَ عَلِيْعَهْدِ مُصْطَفَى وَ فَرِيْدٍ؟ كَجَاسْتِ اَنْ نَسْلِ نَخْسْتِيْنُو كَجَا هَسْتَنْدِ اَنْ سِيَاْسْتَمْدَارَانِ وَاَقْعَى دَوْرَةَ مُصْطَفَى ۲ وَ فَرِيْدٍ ۳؟! (مَحْفُوْظ، ۲۷۰: ۱۳۹۱) مُصْطَفَى وَ فَرِيْدِ دُو چَهْرَةُ خُوْبِ سِيَاْسَى گِذْشْتَةُ مِصْرِ هَسْتَنْدِ كِه رَاوَى اَرْزَوَى وَجُوْدِ چِنِيْنِ اِنْسَانِ هَايِي رَا بَرَايِ اِدَارَةِ جَامِعِهِ دَارْدِ وَ يَا دَرِ اِدَامَةُ دَاَسْتَانِ حَسْرَتِ چَهْرَه هَايِ سِيَاْسَى گِذْشْتَه مِصْرِ رَا مِي - خُوْرْدِ. (وَ صُوْرُ اَعْضَاءِ الْاَسْرَةِ وَبَعْضِ الرِّجَالِ كَمُصْطَفَى كَامِلٍ وَ مُحَمَّدِ فَرِيْدِ وَ الْمُؤَيَّلِحِيُو حَافِظِ اِبْرَاهِيْمِ وَ عَبْدِ الْحَى حَلْمَى). عَكْسَهَايِ اَعْضَايِ خَانَوَادِهِ وَ پَارَهَايِ اَزِ سِيَاْسْتَمْدَارَانِ نَظِيْر «مُصْطَفَى كَامِل»، «مُحَمَّدِ فَرِيْد»، «مُؤَيَّلِحَى»، «حَافِظِ اِبْرَاهِيْمِ» وَ «عَبْدِ الْحَى حَلْمَى» ۴. (هَمَان: ۲۷۰) دَرِ دَاَسْتَانِ "رُوْدِرُو" يِ اَوْ بَه جَنْگِ وَ پِيَاْمَدَهَايِ اَنْ مِي پَرْدَاذِدِ كِه نَاشِي اَزِ سِيَاْسَتِ هَايِ غَلَطِ وَ خُوْدِ كَاْمَكِي عِدَهَايِ دِيْگَرِ اَزِ كِشُوْرَهَاَسْتِ؛ بَه گُوْنَهَايِ كِه مَحْوَرِ اَكْثَرِ كَلَمَتِ وَ گُوْهَا دَرِ اِيْنِ دَاَسْتَانِ مَسْأَلِ سِيَاْسَى اَسْتِ.

« فِى الْحَالِيْنِ سَتَنْعَرِضُ لِأَهْوَالِ الْغَزْوِ / أَنْتَ مُنْزَعِجٌ كَمَا لَوْ أَنَّ الْحَرْبَ سَتُعْلَنُ عَلَيْكَ أَنْتَ بِاللَّهِ خَيْرِنِي لِمَاذَا تَرَى أَنْ يَتِمَّ الْأَمْرُ فِى أَقْرَبِ وَقْتٍ مُمَكِنٍ / أَمَا إِذَا قَامَتِ الْحَرْبُ وَ نَحْنُ فِى بَارِيْسَ؟ / الْحَرْبُ اِيْضًا. لَتُقَمَّ الْاَنَ إِذَا كَانَتْ تَنْوِيْ ذَلِكْ / فِى بَارِيْسَ يُمْكِنُ أَنْ نَرْحَلَ اِلَى بِلْدِ حَايِدِ كَسُوَيْسِرَ / كُلُّ شَيْءٍ يَتَوَقَّفُ عَلَى مَا يُصِيْبُ وَطَنَنَا هُنَا / اَنَا مُطْمَئِنٌّ كَمَا قُلْتُ لَكَ وَ لَكِنْ لِمَاذَا تُقَوِّمُ الْحَرْبُ / الْعِدَاوَاتُ، الْاَلْمَانُ يَسْتَعِدُّوْنَ لِهَذَا الْيَوْمِ مُنْذُ اَكْثَرِ مِنْ عِشْرِيْنَ سَنَةً»

بِه هَرِ حَالِ، مَا دَرِ مَعْرُضِ بَدْبِخْتِي هَايِ اَشْغَالِ قَرَارِ خَوَاْهِيْمِ گِرَفْتِ. / تُو نَارَاْحْتِي، اِنْگَارِ كِه بَا تُو اَعْلَامِ جَنْگِ خَوَاْهَدِ كَرْدِ! تَرَا بَه خُدَا، چِرَا فِكْرِ مِي كِنِي كِه اِيْنِ اَمْرِ دَرِ اَوَّلِيْنِ فَرْصَتِ، صُوْرَتِ خَوَاْهَدِ گِرَفْتِ؟ / اَمَا اِگَرِ جَنْگِ شُرُوْعِ شُوْدِ وَ مَا دَرِ بَارِيْسِ بَاشِيْمِ، چَطُوْر؟ / اَنْجَا هَمِ جَنْگِ خَوَاْهَدِ بُوْدِ!! / اِگَرِ قَصْدِشِ رَا دَارَنْدِ هَمِيْنِ الْاَنِ شُرُوْعِ كَنْدِ. / اَزِ بَارِيْسِ مِي تُوَاْنِيْمِ بَه كِشُوْرِ بِي طَرْفِي مِثْلِ سُوَيْسِ بَرُوِيْمِ؟ / هَمِه چِيْزِ بَسْتَكِي بَه اِيْنِ دَارْدِ كِه بَرِ سَرِ مِيْهِنِ مَانِ چِه بِيَايِدِ. مَن، هَمَانِ طُوْرِ كِه گِفْتِمِ مُطْمَئِنِّمِ. اَمَا اَصُوْلًا چِرَا جَنْگِ مِي شُوْدِ؟ / بَه عِلْتِ كِيْنِه وَ دِشْمَنِي. اَلْمَانِيْهَا بِيْشِ اَزِ بِيْسْتِ سَالِ اَسْتِ كِه خُوْدِشَانِ رَا بَرَايِ چِنِيْنِ رُوْزِي اَمَادَه مِي - كَنْدِ (هَمَان: ۲۹۱-۲۹۳).

در این داستان محور گفت و گوی زن و مرد تماماً جنگ و امور سیاسی است، زیرا نمی‌توانند بی توجه به این امور آزادانه به زندگی‌شان پردازند، اما در داستان روز سرشار به بهترین و کامل‌ترین شکل به سیاست و مسائل سیاسی جامعه پرداخته می‌شود؛ زیرا موضوع اصلی داستان بیان روند زندگی یک شخصیت سیاسی (وزیر) است. در داستان به افرادی با نام‌های فرضی برای نشان دادن فساد در امور سیاسی در داستان اشاره می‌شود. «علی الکامل، البحیری، الدسوقی، و عشرات غیرهم. کائنات نخرها السوس فلم یبق منها إلا عناد و حقد». «علی کامل»، «بحیری»، «دسوقی» و ده‌ها تن دیگر، موجوداتی هستند که کرم بدنشان را خورده و از آنان جز لجبازی و کینه‌توزی چیزی نمانده است (همان: ۳۱۴). یکی از پرداخت‌های بسیار زیبای سیاسی در این داستان بیان موضوع افشای اسنادی است که قرار است در روزنامه چاپ بشوند و در اینجاست که نویسنده بسیار هنرمندانه فساد سیاسی در یک جامعه را در اوج نشان می‌دهد.

«دَسَّ يَدَهُ فِي جَبِيهِ الدَّخْلِي فَأَخْرَجَ مَطْرُوفًا سَلَمَةً لِلْأَسْتَاذِ وَ هُوَ يَقُولُ: قَبْلَهُ الْعَامُ. حَقًّا؟ / سَوْفَ تَنْفَجِرُ تَحْتَ أَقْدَامِ نَسِيمِ الْبَحِيرِيِّ الْمَأْفُونِ الْمَغْرُورِ أَنْتَ مُتَأَكِّدٌ مِنْ صِحَّتِهَا / وَثَائِقُ لَا يَرْتَقِي إِلَيْهَا شَكٌّ / لَا أُرِيدُ أَنْ أَعْرِضَ الْجَرِيدَةَ لِقَضِيئِهِ خَاسِرَةً لِلَّهِ يَعْلَمُ كَمْ كَلَّفَنِي الْحَصُولُ عَلَيْهَا مِنْ حِيلَةٍ وَ مَالٍ / أَنْتَ أَيْضًا تَكْرَهُهُ. / سَأَنْشُرُ الْوَثَائِقَ لِلْمَصْلِحَةِ الْعَامَةِ وَلَا دَخَلَ لِعَوَاطِفِي فِي ذَلِكَ. مَرْدٌ دَسَّتْهُ رَا فِي جَيْبِ كَتَشِ فَرُو بَرْدٍ، پَاكْتِي دَرَأورد وَ بَه اسْتاد داد وَ كَفت: / بَمب سال! / واقعا؟ / این بمب زیر پای «نسیم بحیری» احمق مغرور منفجر خواهد شد. / به صحت آنها اطمینان داری؟ / نمی‌خواهم موضوع زیان‌آوری را به روزنامه بکشانم! / خدا می‌داند که برای دسترسی به آن، چه ترفند و چه ثروتی به کار برده‌ام. / تو هم از او بی‌زاری. / بدون آن که در این مورد احساساتی شوم اسناد و مدارک را به خاطر مصالح عمومی مطرح می‌کنم» (همان: ۳۱۳).

نجیب محفوظ در داستان روز سرشار نیز اشاره‌ای مستقیم به فساد سیاسی جامعه می‌کند. «إِعْلَمِي أَنْتَسَعِينَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مُوْظَفِي الْحُكُومَةِ نَبَاتَاتٌ طَفِيلِيَّةٌ تَغْذِي بِدُونِ حَقِّ وَجْهِ بَدَانٍ كِه نود درصد کارمندان دولت، علف‌های هرزی بیش نیستند که بی‌هیچ حقی،

تغذیه می‌کنند» (همان: ۳۱۲). در پردازش مسائل سیاسی بررسی تطبیقی داستان‌های درویشیان و نجیب محفوظ نشان می‌دهد که نجیب محفوظ بی‌پروا تر حتی با ذکر نام و مقام افراد به مسائل سیاسی در داستان‌هایش می‌پردازد در مثال‌هایی که ذکر شد این موضوع را می‌توان به وضوح دید این در حالی است که درویشیان در لفافه به مسائل سیاسی می‌پردازد و بیشتر در توصیف وضع اسفناک مردم فقیر امور سیاسی جامعه را به چالش می‌کشد.

۲-۴-۳- کانون آرمانی

پوپولیست‌ها همواره برای رسیدن به یک جامعه ایده‌آل گام برمی‌دارند؛ برای رسیدن به جامعه‌ای که در آن همه خواست‌ها و آرزوهایشان تحقق یابد. چون «مردم ساکنان کانون آرمانی هستند. کانون آرمانی سرزمین تخیل است. کانون آرمانی مکانی است که جنبه‌های مثبت زندگی روزمره را جلوه‌گر می‌سازد» (تاگارت، ۱۳۸۱: ۱۴۷). «وحدت و همگونی ساکنان خیالی کانون آرمانی نشان می‌دهد که چرا در شعارهای پوپولیستی به شدت بر همگونی مردم تأکید می‌شود. کانون آرمانی نمادی است که بهانه حذف پلیدی‌ها را فراهم می‌آورد» (همان: ۱۴۸ و ۱۴۹). کانون آرمانی را می‌توان به گونه‌ای یک مدینه فاضله در نظر گرفت که در آرزوی شخصیت‌های داستان، فضای این جامعه آرمانی توصیف می‌شود. «کانون آرمانی بر اندیشه جامعه‌ای اندام‌وار استوار است که دارای نوعی همبستگی طبیعی است و بنابراین محدودتر از اجتماعات است که در چارچوب مرزهای ملی قرار می‌گیرند» (همان: ۱۴۹). در داستان "همراه آهنگ‌های بابام" درویشیان به این جامعه آرمانی که در آن کودک می‌خواهد نویسنده شود و حقش را بگیرد و از چیزی نترسد، به این شکل اشاره می‌شود. «من نویسنده می‌شوم و از چاقوی تیز قاسم چاو کاو و دار و دست‌های هم نمی‌ترسم. آری باباجانم... آری» (درویشیان، ۱۳۸۶: ۲۵). آرمان هنر نیز «جز تعالی تبار انسان نیست» (دست‌غیب، ۱۳۷۳: ۱۴۷). در داستان دیگر درویشیان به نام "ظلم‌آباد" نیز بار دیگر جامعه آرمانی به تصویر کشیده می‌شود. «تصور کرد که پدرش از دور با سفره‌ای نان و

پشته‌ای بوته خشک می‌آید. و مادرش سماور را آتش می‌اندازد» (درویشیان، ۱۳۸۱: ۳۳). در جامعه توصیف شده فقر و بدبختی و تضاد طبقاتی به حدی است که آرمان کودک تنها یک کانون گرم خانوادگی است، خانواده‌ای که در آن دغدغه مالی و نگرانی از نبود غذا نباشد. «مسائل خارج از کانون آرمانی حتی اگر علاقه‌ای برانگیزد دغدغه‌های ثانوی پوپولیست‌ها را تشکیل می‌دهند» (تاگارت، ۱۳۸۱: ۱۴۹). در داستان "قهوه خانه خالی" اثر نجیب محفوظ بدون اشاره مستقیم اما در لفافه به شکل حسرت برگزیده، آرزوی داشتن جامعه آرمانی دیده می‌شود. «أین رَعِیلُ الْمُربِینِ الاولُ، أینَ السَّاسَةُ الحَقِیقِیونَ علی عَهْدِ مُصطَفی و فَرِید؟ کجاست آن نسل نخستینو کجا هستند آن سیاستمداران واقعی دوره مصطفی و فرید؟» (محفوظ، ۱۳۹۱: ۲۷۰) در بررسی تطبیقی میان داستان‌های درویشیان و نجیب محفوظ در می‌یابیم که بزرگترین آرمان زندگی در فضای داستان‌های درویشیان بهرمندی از حداقل زندگی و آرامش است. فقر بزرگترین مشکل است آنقدر جامعه مورد توصیف درویشیان دچار بدبختی و نابسامانی است که مردم در آن برای رسیدن به حداقل حقوق انسانی تلاش می‌کنند، اما جامعه و فضاهای پرداخته شده در داستان‌های محفوظ به نسبت اوضاع به سامان‌تری را دارند؛ به همین دلیل آرزوهایشان ابعاد وسیع‌تری دارد.

۲-۴-۴- مخالف نابرابری اجتماعی و اقتصادی

نظریه اقتصادی پوپولیسم که توسط سیسموندی^۵ پی‌ریزی شد، مبتنی بر تقسیم مالکیت بزرگ ارضی و صنعتی بود. او می‌گوید: در کشورهایی که کشاورز صاحب زمین است و در جایی که مائده‌های زمینی کلاً به مردمی تعلق دارد، آدمی همه‌جا می‌تواند عشق مردم را به خانه‌ای که در آن زندگی می‌کند آشکارا ببیند (سه‌یر و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۵۷ و ۱۵۸). «پوپولیسم اگرچه به مردم مختلفی اشاره دارد اما روی سخن آن اکثریت است» (آیزنبرلین و دیگران، ۱۹۶۸: ۱۷۳ تا ۱۷۸). درویشیان همواره در جای جای داستان‌هایش به بیان موضوع نابرابری اجتماعی و اقتصادی پرداخته است؛ مثلاً در داستان "همراه آهنگ‌های بابام" با بیان زندگی قاسم چاو کاو و سپس بیان وضع زندگی خودشان، این تفاوت را بسیار زیبا به تصویر می‌کشد. «همه ما برای آقا قاسم کار می‌کنیم... یک زمانی شهر شلوغ می‌شود و او

و چندتالات دیگر به یک نویسنده و یک معلم چاقو می‌زنند. پس از آن پولدار می‌شود و کارش بالا می‌گیرد. دکان ریخته‌گری مال اوست. او دو تا دیزل و یک تریلی هم دارد. یک قهوه خانه بزرگ و یک قمارخانه هم دارد» (درویشیان، ۱۳۸۶: ۸). قاسم چاو کاو نماد فردی است که ناعادلانه ثروتمند شده است و افراد زیر دست خودش را استثمار می‌کند و آنها را پله ترقی و افزایش ثروت خود قرار داده است. «ننه خیلی کار می‌کند... رخت و لباس مردم را می‌شوید... برای خانه‌های مردم رشته می‌برد. و هر جا که عروسی باشد می‌رود و کار می‌کند و شب برای ما چلو و پلو می‌آورد و از شیرینی عروسی به گوشه چادرش گره می‌زند و می‌آورد» (همان: ۱۱). این که ننه در داستان مجبور است تن به هر کاری بدهد و از ته مانده غذاها و شیرینی‌های عروسی برای بچه‌هایش می‌آورد، فقر و نبود عدالت اجتماعی را در اوج نشان می‌دهد. سپس در ادامه داستان با توصیف تهران در مقایسه با کرمانشاه تفاوت عظیم و نابرابری اجتماعی و اقتصادی را بیان می‌کند. «به تهران می‌رسیم. همه جا چراغ است. همه جا تابلوهای رنگی. ساختمان‌های بزرگ و نور حیف که بابام کور است» (همان: ۱۹). «از کنار ما مردم با لباس‌های پر عطر و خوشبو می‌گذرند» (همان: ۲۱). عبور مردم تهران با لباس‌های خوشبو و پر عطر وقتی در کنار حضور راوی و پدرش در تهران برای کار قرار می‌گیرد، اوج تضاد طبقاتی در این تصویر نمایانده می‌شود. درویشیان در داستان‌هایش مکرراً به بیان تضاد طبقاتی و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و فقر می‌پردازد؛ مثلاً در داستان ظلم آباد «تنهایی او را به یاد رادیو انداخت» آن را روشن کرد: خانم گوگوش شما به چه غذایی علاقه دارید؟ / رادیو را بست و آب دهانش را قورت داد. از سرما لرزید و کت پاره و خیس پدرش را محکم به خود پیچید و دوباره برای فرار از تنهایی رادیو را گرفت. / خانم گوگوش چرا به پرچم آمریکا علاقه دارید؟ می‌بینم که به پشت لباس‌تان یک پرچم آمریکا دوخته‌اید. / خب دیگه این مده در فرانسه که بودم...

راديو را بست و به شعله‌هایی که می‌رقصیدند چشم دوخت. خودش هم از بزرگی آن همه فاجعه خبر نداشت. باور نمی‌کرد که مادر و دو برادر و خواهرش دیگر وجود ندارند. (همان: ۳۱ و ۳۲).

در این داستان مصاحبه گوگوش از راديو در شرایطی بیان می‌شود که کودک بر اثر سیل و نبود امکانات خانه و خانواده‌اش را از دست داده است. این تصویر یکی از زیباترین و غم‌انگیزترین جلوه‌های بیان تضاد طبقاتی در داستان‌های درویشیان است. مجدداً در همین داستان در جایی دیگر به تفاوت بین خانه‌های اربابان و خانه‌های مردم عادی می‌پردازد که سیل خانه‌های مردم عادی را ویران کرده در حالی که خانه اربابان مستحکم و پابرجا باقی مانده است. «از ظلم آباد جز خانه باغی که در کنار موستان بالای تپه‌ها قرار داشت و خانه اربابی و انبار گندم جهانگیرخان که از سنگ و سیمان ساخته شده بودند دیگر چیزی نمانده بود.» (همان: ۲۹). «زبان پوپولیستی سرشار از تصاویر منفی و اهریمنی از روشنفکران، بوروکرات، قلم به مزدان، آدم‌های سرشناس و پرنفوذ، اشراف غارتگر، نویسنده‌های سرخورده پولدارهای مفت‌خور است» (تاگارت، ۱۳۸۱: ۱۴۶). درویشیان در توصیفی دیگر با طنزی تلخ فقر را در اوج به تصویر می‌کشد. در داستان "همراه آهنگ‌های بابام" «عیسی لقمه می‌گیرد و لقمه را توی دود دکان می‌زند و می‌خورد. می‌گوید فقط نان و دود مرا سیر می‌کند. آنقدر نان و دود می‌خورم تا پولدار بشوم و بتوانم زن بگیرم. من هم نان و دود می‌خورم و می‌خندم.» (درویشیان، ۱۳۸۶: ۱۰). درویشیان در داستان "انار" نیز با بیانی طنزآمیز نداشتن امکانات برای مردم فقیر شهرستان‌ها و سادگی آنها را بیان می‌کند. «این اتوبوس از آن اعلاها بود... نمی‌دانی چه بوی خوبی می‌دهند... اتوبوس هم فکر می‌کنم برقی بود. چون وقتی یواش یواش پیاده می‌شدم یک آقای که موی بلندی داشت به من گفت: عمو برق نگیردت. من هم زود پیاده شدم. خب اگه برق می‌گرفتم که واویلا بود. الان اینجا نبودم که بچه‌مان را ببریم شهر» (همان: ۴۱).

در داستان روز سرشار، نجیب محفوظ نابرابری اقتصادی و اجتماعی در زندگی مردم بسیار زیبا به تصویر کشیده شده است. این موضوع در بیان زندگی یک روز یک وزیر

نشان داده شده است. «إِسْتَقْلَ السَّيَّارَةَ وَ هُوَ يَقُولُ لِّلسَّائِقِ «بَارَ الْأَنْجَلُو» سَيَمَكْتُ هِنَالِكُ سَاعَةً ثُمَّ يَمْضِي إِلَى هَنُومَةَ إِمْرَأَةً مِثَالِيَهُ فِي غُرَامِيَاتِهَا وَ هُوَ يَجِيءُ إِلَى بَارَ الْأَنْجَلُو فَيَنْهَمِكُ فِي لَعِبِ الطَّوَلَةِ مُقَامَرًا بِمَبَالِغٍ ضَخْمَةٍ وَ مَرَّ بِمَحَلِّ لِبَيْعِ التُّخْفِ الْيَابَانِيَةِ فَدَخَلَهُ دُونَ سَابِقِ تَفْكِيرٍ لِابْتِيَاعِ هَدِيَّةٍ لِهَنُومَةَ. سَوَّارَ مَاشِينِشْ شَدَّ وَ بَه رَانْدَه كَفْتْ بَرُويِمْ بَه أَنْكَلُوبَار. سَاعَتِي دَر أَنْجَا خَوَاهَد نَشَسْتْ وَ سِپَسْ نَزْدَ هَنُومَه خَوَاهَد رَفْتْ؛ زَنِي اَيْدَه آل بَرَايِ عَشْقِ وَرَزِي ... او بَه بَارَانْگَلُو مِي آيِدْ وَ غَرَقْ دَر بَازِي تَخْتَه نَرْدْ مِي شُودْ وَ بَر سَر مَبَالِغِي هَنْگَفْتْ قَمَار مِي زَنْد... از جَلُو فَرُوشْگَاهِ كَادُوهايِ ژَايِنِي كَه مِي كَظَشْتْ، بِي مَقْدَمَه وَارْدْ شَدَّ تَا هَدِيَه‌ايِ بَرَايِ هَنُومَه بَخَرْد...» (مَحْفُوظ، ۳۱۴: ۱۳۶۱). دَر اَيْنِ دَاَسْتَانِ رَئِيسِ جَمْهُورِ مَبْلَغْ، هَنْگَفْتِي رَا دَر قَمَار مِي - بَاَزْدْ وَ هَمْچِينِ بَرَايِ هَنُومَه زَنِي كَه تَنْهَا بَرَايِ عَشْقِ وَرَزِي وَ تَفْرِيحِ رُوزَانَه اُوسْتْ هَدِيَه‌ايِ مِي خَرْد. نُويسِنْدَه دَر اَيْنِ تَصْوِيرِ اَز زَنْدَگِي يَكْ رَئِيسِ جَمْهُورِ مِي خَوَاهَد نَابَرَابَرِي اِقْتِصَادِي وَ اِجْتِمَاعِي رَا دَر يَكْ جَامِعَه بِيانْ كَنْد. دَر بَررَسِي تَطْبِيقِي مِيانِ دَاَسْتَانِهايِ دَرُويشِيانِ وَ نَجِيبِ مَحْفُوظْ، دَر مِي يايِمْ كَه هَمَانْ كُونَه كَه دَر مَوَارِدِ دِيْگَر نِيْز بِيانْ شَدَّ، فَقْرْ وَ بَدبَخْتِي وَ هَمْچِينِ نَابَرَابَرِيهايِ اِقْتِصَادِي وَ اِجْتِمَاعِي دَر دَاَسْتَانِهايِ دَرُويشِيانِ اِبْعَادِ بَسِيارِ وَسِيعِ تَرِي دَارْدْ بَه كُونَه‌ايِ كَه اَيْنِ نَابَرَابَرِي حَتِي بَاعْثِ عَقْبِ مَانْدَگِي وَ بِي سَوَادِي بَسِياريِ اَز مَرْدَمِ نِيْز شَدَه اَسْت.

۳-۴-۵- تأثیر پذیری و هم‌رنگی با محیط

هنگامی که هنرمند از محیط خود در توصیف جزئی‌ترین حالات و فضاها بهره می‌گیرد، می‌تواند احساسات خواننده را برانگیزد و او را در داستان با خود همراه سازد. هاووز معتقد است که «ابداع جزئیات در هنر مدرن، نقشی چنین اساسی ایفا می‌کند و بیانگر تجربه فردی و اصیل هنرمند است» (هاووز، ۱۳۷۸: ۲۱۰). درویشیان در داستان‌هایش از فضای بومی و محیط زندگی‌اش و حتی آداب و رسوم و واژگان سرزمینی خودش برای زیبایی‌آفرینی بهتر و ایجاد تأثیر ژرف‌تر در مخاطبش استفاده می‌کند. مثلاً در داستان «همراه آهنگ‌های بابام»، مستقیماً به کرمانشاه و قصر شیرین محیط زندگی حقیقی خودش اشاره می‌کند. «از

قصر شیرین یک کیسه چای می‌خریم و به کرمانشاه آوریم و می‌فروشیم... یک مرتبه که از قصر شیرین می‌آییم» (درویشیان، ۱۳۸۱: ۱۷). چون «پوپولیس‌ها مردم را بر حسب این که کجا هستند به تصور می‌آورند» (تاگارت، ۱۳۸۱: ۱۴۷). یا در داستان "انار" «مرد برف‌های یخ زده اطراف شلوار جافی^۶ اش را پاک کرد. پاهای یخ زده‌اش را از میان کفش لاستیکی تلش^۷ خورده‌اش بیرون آورد و انگشتان قرمز و لبوبی رنگش را مالید و در مشت فشرد» (همان: ۳۷). درویشیان در چند مورد نیز با بیان واژگان اصیل کردی و حتی بیان فرهنگ کردی سعی می‌کند احساسات مخاطب را برانگیزد؛ مثلاً در داستان "ظلم‌آباد" «و از سوراخ بالای پشت بام صدای هورهای دلگیر مادرش را می‌شنید» (همان: ۲۸). برای این که «استفاده از انگاره‌های فرهنگ مردم، یکی از مهم‌ترین شگردهای غنی‌سازی ابعاد معنایی زبان ادبی است» (سلاجقه، ۱۳۸۹: ۲۶۰). درویشیان نیز با به کار بردن واژه‌های اصیل کردی به غنای کلام خود می‌افزاید و در داستان "انار" «عمق احساس یک مادر دردمند کرد را در قالب این کلمات به مخاطبش انتقال می‌دهد». روله نازارم، دالکه گت بمری^۸ (همان: ۳۸). نجیب محفوظ نیز به مانند درویشیان در داستان‌هایش در بیان مکان‌ها و فضاهای مصر حتی نام واقعی آنها را نیز بیان می‌دارد؛ مثلاً در داستان رودرو «القاتلان کیسا من البلد صعیديان من أنبوب». قاتلان اهل این شهر نیستند؛ دو نفر صعیدی^۹ اند از آنبوب» (محفوظ، ۱۳۹۱: ۲۹۳) و یا در داستان "قهوه خانه خالی" «وغَادَرَ بَيْتَهُ إِلَى مَصْرِ الجديده فی سیارة ابنه. خانه‌اش را به سوی محله مصر الجديده ترک کرد.» (همان: ۲۷۱). مقایسه این دو نشان می‌دهد که توجه و پرداخت عناصر بومی و میهنی در آثار درویشیان به مراتب بیشتر و عمیق‌تر از نجیب محفوظ است، زیرا درویشیان همان گونه که اشاره شد مستقیماً از زبان، آداب و رسوم، مکان و بسیاری دیگر از عناصر بومی و سرزمینی خودش را در داستان‌هایش استفاده می‌کند.

۳- نتیجه

بررسی تطبیقی داستان‌های کوتاه منتخب درویشیان و نجیب محفوظ ما را به این نتیجه رساند که آثار هر دو نویسنده تقریباً در یک دوره زمانی نوشته شده است و اگرچه این دو

نویسنده شاید هرگز با هم ارتباطی نداشته‌اند اما هر دو شباهت بسیاری در پرداختن ابعاد پوپولیستی در داستان‌هایشان دارند. هر دو نویسنده جامعه‌ای را به تصویر می‌کشند که مردم در آن مدام درگیر مسائل جنگ و پیامدهای پس از جنگ ویا مسائل تلخ سیاسی هستند، مردم هر دو جامعه از نبود عدالت، دموکراسی، فقر، بیکاری، تضاد طبقاتی و... که اساسی‌ترین هدف پوپولیست است رنج می‌برند؛ در عین حال هر دو نویسنده در پرداخت داستان‌هایشان جامعه و مردم و فضاها را به تصویر می‌کشند و حتی به ویژگی‌های بومی و میهنی و سرزمینی خود نیز در همین راستا می‌پردازند. جنبش پوپولیسم اگرچه ابعاد منفی نیز با خود به همراه دارد اما، بررسی آثار هر دو نویسنده به وضوح نشان داد که اهداف پوپولیستی در آثار این هر دو نویسنده به شکلی مثبت و سازنده و نه مخرب و در جهت رفع مشکلات مردم و رسیدن به عدالت اجتماعی زدودن فقر و... بسیار زیبا و هنرمندانه نمود یافته است، اما نکته قابل توجه در این بررسی این است که پوپولیسم در داستان‌های علی‌اشرف درویشیان زیباتر و ملموس‌تر انعکاس یافته است؛ زیرا شخصیت اصلی بسیاری از داستان‌های علی‌اشرف درویشیان کودکان هستند که توصیف وقایع و دردهای مردم جامعه از زبان و دید کودکان بسیار زیباتر و ملموس‌تر است زیرا عمیق‌ترین دردها و مشکلات جامعه از دید کودکان بدون هیچ گونه وابستگی حزبی و سیاسی بیان می‌شود. فضاها و حتی گفت‌وگوها در داستان‌های درویشیان کاملاً بومی و اصیل است؛ زیرا مردم را در شهرها و روستاهای کرمانشاه با آداب و رسومشان توصیف کرده است و این امر باعث شده مردمی که در آثار علی‌اشرف درویشیان به تصویر کشیده شده‌اند بسیار طبیعی‌تر و به حقیقت زندگی نزدیک‌ترند. نکته دیگر این که عشق و مسائل عشقی چندان در آثار درویشیان نمود نمی‌یابد زیرا نویسنده دردهای مردم را بسیار فراتر از آن می‌داند که به چنین مسائلی پردازد.

یادداشت‌ها

- ۱- نازیسم: Nazism اسم. [سیاست] آموزه سیاسی و اجتماعی که در دهه سوم سده بیستم در آلمان شکل گرفت و بر اصل انحصار طلبی شدید تک حزبی نژاد پرستی افراطی، استبداد و سلطه طلبی استوار بود.
- ۲- مصطفی کامل، روزنامه نویس مصری و از پیشگامان جنبش ملی مصر در پایان سده ی نوزدهم و آغاز قرن بیستم.
- ۳- محمد فرید، روشنفکر و سیاست مدار آغاز قرن بیستم که برای دستیابی به استقلال مصر پیکار کرد.
- ۴- همگی از سیاستمداران مصر در نیمه نخست قرن بیستم.
- ۵- یکی از منتقدان اولیه که با نظری نافذ، عقاید مکتب کلاسیک را مورد انتقاد قرار داد، لئوناردو سیمون سیموندی یک مورخ سوسی است. ۶- نوعی شلوار کردی با پاچه ی تنگ. ۷- بریدگی زیاد. ۸- فرزند عزیزم مادرت بمیرد.
- ۹- صعید منطقه ای است در جنوب که مردمانش نسبت به مردم شمال فرهنگ پایین تری دارند و آنبوب یکی از شهرهای انجاست.

منابع

الف. منابع فارسی و عربی

- ۱- آشوری، داریوش (۱۳۷۳) *دانشنامه ی سیاسی*، چاپ سوم، تهران: مروارید.
- ۲- آقابخشی، علی (۱۳۷۴) *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: ناشر مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- ۳- اغصان، علی رحیق (۱۳۸۴). *دانش نامه در علم سیاست*، تهران: انتشارات فرهنگ صبا.
- ۴- النساج، سید حامد (۱۳۷۲) *نگاهی به داستان معاصر عرب*، ترجمه محمد جواهر کلام، چاپ اول، تهران: ناشر مولف.
- ۵- تاگارت، پل (۱۳۸۱) *پوپولیسم*، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: نشر آشیان.
- ۵- درویشیان، علی اشرف (۱۳۸۱) *چون و چرا*، تهران: نشر اشاره.

- ۶- _____ (۱۳۸۶) *همراه آهنگ های بابام*، چاپ شانزدهم، تهران: نشر چشمه .
- ۷- دست غیب، عبدالعلی (۱۳۷۶) به *سوی داستان نویسی بومی*، تهران: حوزه هنری.
- ۸- _____ (۱۳۷۳) *نقد آثار احمد شاملو*، تهران، نشر آروین.
- ۹- اغصان، علی (۱۳۸۴) *دانش نامه در علم سیاست*، چاپ اول، تهران: نشر فرهنگ صبا.
- ۱۰- جقه، پروین (۱۳۸۹) *نقد نوین در حوزه شعر*، تهران، مروارید.
- ۱۱- رابرت و دیگران (۱۳۸۶) *رمانتیسیم و تفکر اجتماعی*، ترجمه یوسف اباذری و علی مرتضویان، چاپ دوم، تهران: ناشر اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی .
- ۱۲- لائو، ارنستو و دیگران (۱۳۸۸) *در ستایش پوپولیسم*، ترجمه محمد ایزدی و عباس ارض پیمان، تهران: اشرف داد نو.
- ۱۳- میرصادقی، جمال (۱۳۸۲) *داستان نویس های نام آور معاصر ایران*، تهران: نشر اشاره.
- ۱۴- _____ (۱۳۸۵) *عناصر داستان*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سخن.
- ۱۵- محفوظ، نجیب (۱۹۹۱) *المؤلفات الكاملة، المجلد الثالث، بیروت: مكتبة لبنان*.
- ۱۶- وزر، آرنولد (۱۳۶۱) *تاریخ اجتماعی هنر*، مترجم امید موید، جلد ۴ و ۳، تهران: نشر چاپخش و دنیای نور.

ب. منابع خارجی

- 17- weslind, D. (1996) *The politics of popular Identity: Understanding Recent populist movements in Sweden and the United States*. Lund: University Press.

- 18- Shils, E. (1956) *The Torment of Secrecy: The Background and Consequences of American Security Policies*. Glencoe, IL: Free Press.
- 19-Shils, E. (1962) *The intellectuals in the political development of the new state*, in J.H.
- 20-Kautsky (ed.) *Political Change in Underdeveloped Countries: Nationalism and Communism*. New York: Wiley.
- 21- Berlin, I. (1978) *Russian Thinkers*. London: Hogarth Press.
- 22- Berlin, I., Hofstadter, R., MacRae, D. et al. (1968) *To define populism*, *Government and Opposition*, 3: 137- 79.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی